

هم‌تدریسی و نقش آن در آموزش کودکان با نیاز ویژه

امیرعباس ابراهیمی / دانشجوی دکتری تخصصی شنوایی شناسی / دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

چکیده:

هم‌تدریسی یا آن‌گونه که گاه نامیده می‌شود تدریس همیارانه (۱) به عنوان بخشی از فلسفه‌ی آموزش فراگیر نوعی الگوی ارائه‌ی خدمات و رویکرد بیش از پیش پرطرفداری است (۲) که برای مدت زیادی معمول‌ترین الگوی آموزش ویژه در کلاس فراگیر بود و محبوبیت آن همچنان افزایش یافته است (۳). در هم‌تدریسی دو مربی (یکی نوعاً آموزگار آموزش همگانی و دیگری آموزگار آموزش ویژه یا متخصص دیگری) به طور همیارانه برای آموزش گروه ناهمگنی از دانش‌آموزان که برخی از آنها توانخواه یا با نیاز ویژه هستند، برای تمام روز مدرسه یا بخشی از آن، در یک کلاس درس، تخصص خود را به اشتراک می‌گذارند.

واژه‌های کلیدی: هم‌تدریسی، کودکان با نیازهای ویژه

مقدمه

توانخواه یا هر کلاس در مدرسه‌ی فراگیر نیست. هر گاه تعداد دانش‌آموزان توانخواه در کلاس و ماهیت نیاز وجود دو آموزگار را توجیه کند یا کلاس تنها کلاسی باشد که تمام دانش‌آموزان توانخواه باید در آن نام‌نویسی شوند؛ هم‌تدریسی باید انجام شود (۱).

هم‌تدریسی را می‌توان به چندین روش مختلف، هر روز در زنگ‌ها یا روزهای مشخصی از هفته پیاده کرد. برخی از معمول‌ترین الگوهای هم‌تدریسی عبارت‌اند از: (۱) یکی درس می‌دهد دیگری مشاهده می‌کند، (۲) یکی درس می‌دهد دیگری کمک می‌کند، (۳) تدریس موازی، (۴) تدریس ایستگاهی، (۵) تدریس جایگزین و (۶) تدریس تیمی.

هم‌تدریسی وقتی به دقت پیاده شود به همان اندازه که موثر است پاسخی برای هر دانش‌آموز یا هر کلاس درس در مدرسه‌ی فراگیر است. هم‌تدریسی تنها یک گزینه است برای روبرو شدن با نیازهای دانش‌آموزان و زمانی

هم‌تدریسی نوع پیچیده‌ای از مشارکت است که برخی آن را شبیه ازدواج متخصصان می‌دانند. دقیقاً همچون ارتباط شخصی، در این ارتباط متخصصان باید توجه زیادی به جزئیات کنند تا این اطمینان به دست آید ارتباط برای پرداختن به مشکلات وقتی اندک هستند کامل و مستقیم است بنابراین، مشکلات چشمگیر نمی‌شوند و استعدادهای متخصصان به حداکثر می‌رسد. از لحاظ نظری، دو آموزگار به‌طور مشترک طراحی کرده، آموزش می‌دهند، رفتار را مدیریت کرده و ارزیابی می‌کنند. به‌علاوه، وقتی یکی از متخصصان تازه کار و دیگری کارآموده است هم‌تدریسی باید به ویژه دقیق باشد تا همکاری را پایه‌گذاری کنند که برای هر دو خشنود کننده باشد. از نظر زمان، هر روز زنگ مشخصی (مثلاً، هر صبح ۹:۳۰ تا ۱۰:۱۵) یا در هفته روز مشخصی (مثلاً، هر یکشنبه زنگ دوم) انجام می‌شود. گزینه‌های دیگر برنامه‌ریزی ممکن است بر حسب نیازهای دانش‌آموز و در دسترس بودن آموزگاران آموزش ویژه استفاده شوند. هم‌تدریسی برای برآوردن نیازهای دانش‌آموزان تنها یک گزینه است و پاسخ‌دهنده‌ی نیازهای هر دانش‌آموز

1. One Teach, One Observe
2. One Teach, One Assist (Teach & Circulate)
3. Parallel Teaching
4. Station Teaching
5. Alternative Teaching
6. Team teaching (Teaming)

طراحی مشترک است بسیار مهم است آموزگاران برای پرهیز از این که یکی از متخصصان به عنوان آموزگار کمکی^۱ تلقی شود به طور دوره‌ای نقش‌های خود را عوض کنند (۱).

یکی درس می‌دهد دیگری کمک می‌کند

در این رویکرد، یک آموزگار، آموزش کل دانش-آموزان را مدیریت می‌کند در حالی که آموزگار دیگر بین دانش‌آموزان می‌چرخد و به آنها کمک می‌کند. برای نمونه، کمک در یک تمرین هم‌تدریسی هنگامی که یکی از آموزگاران تکلیف را پایش کند تا مطمئن شود تمام آنها معادله‌ی ریاضی را به درستی حل کرده‌اند. با وجود این، این رویکرد نقطه ضعف‌هایی دارد. اگر آموزگاری (معمولاً، آموزگار آموزش ویژه) زمان بسیار زیادی را به دستگیری بگذراند احتمالاً خسته و کسل می‌شود و حس می‌کند در کلاس نقش جدی ندارد و بیشتر کمک-آموزگار^۲ است تا آموزگار (چرخش نقش‌ها این مشکل بالقوه را کاهش می‌دهد). همچنین کمک بیش از اندازه‌ی یکی از آموزگاران می‌تواند موجب پرت شدن حواس دانش‌آموزان شود. سرانجام آن که، اگر هر کدام از آموزگاران زیادی کمک کنند برخی دانش‌آموزان به جای این که یاد بگیرند مستقلاً کار کنند بر این منبع همیشه در دسترس کمک‌رسانی، تکیه خواهند کرد (۳).

تدریس موازی

در برخی موارد، دو متخصص ممکن است تصمیم بگیرند تا گروهی از دانش‌آموزان را به دو نیمه‌ی ناهمگن بخش کنند و همزمان آموزش یکسانی به آنها بدهند. در این الگو آموزش مشترکاً طراحی شده اما هر آموزگار به نیمی از گروه ناهمگن فراگیران آن را ارائه می‌کند. این-

باید پیاده شود که تعداد دانش‌آموزان توانخواه در کلاس و ماهیت نیازهایشان وجود دو آموزگار را توجیه کند یا کلاس، کلاسی باشد که تمام دانش‌آموزان توانخواه باید در آن حضور یابند (مثلاً، کلاس بینش اسلامی دبیرستان).

یکی درس می‌دهد دیگری مشاهده می‌کند

در این الگو، یکی از آموزگاران آموزش کل دانش-آموزان را مدیریت می‌کند در حالی که آموزگار دیگر بین دانش‌آموزان می‌چرخد و داده‌های مشاهده‌ای را در خلال آموزش از یک دانش‌آموز خاص، گروه کوچکی از دانش‌آموزان یا حتی کل کلاس گردآوری می‌کند. اگر متخصصان متوجه شوند دانش‌آموزی در گذر از یک فعالیت به فعالیت دیگر با مشکل زیادی روبرو است ممکن است برای رسیدگی به آن مشکل به مشاهده‌ی آن فعالیت پردازند. آنها همچنین ممکن است ببینند چگونه دانش‌آموزان با تکالیف کاری مستقل از منابع دیگر، برخورد می‌کنند یا پیش از پرت شدن حواس‌شان چه مدت کار می‌کنند. متخصصان حتی ممکن است داده‌های مشاهده‌ای درباره‌ی دانش‌آموزی که از پیشرفت او نگران هستند، گردآوری کنند و در جلسه‌ی گروهی مداخله به تحلیل اطلاعات گردآوری شده پردازند.

هم‌تدریسی تنها یک گزینه است برای روبرو شدن با نیازهای دانش‌آموزان و زمانی باید پیاده شود که تعداد دانش‌آموزان توانخواه در کلاس و ماهیت نیازهایشان وجود دو آموزگار را توجیه کند یا کلاس، کلاسی باشد که تمام دانش‌آموزان توانخواه باید در آن حضور یابند

هر آموزگار می‌تواند مشاهده گر باشد اما اغلب، آموزگاران آموزش ویژه روش‌های بیشتری را برای گردآوری اطلاعات می‌دانند و ممکن است لازم باشد آن اطلاعات را در اختیار آموزگاران آموزش همگانی قرار دهند. با وجود این، اگرچه این روش نیازمند حداقل

1. Assistant Teacher
2. Paraeducator

هر گروه از دانش آموزان در هر ایستگاه شرکت می کند و هر آموزگار محتوا را به آن گروه آموزش داده و در پی آن آموزش را برای گروه دوم تکرار می کند. اگر لازم باشد می توان ایستگاه سومی در نظر گرفت که در آن دانش آموزان به طور مستقل کار کرده یا با یک دوست زرننگ، مواد درسی را مرور کنند. این گونه، تمام دانش آموزان در تمام ایستگاه ها آموزش خواهند دید (۳).

برای نمونه، در کلاس جبر، گروهی از دانش آموزان ممکن است روی دستگاه معادله کار کنند، گروه دوم ممکن است با آموزگار آموزش ویژه کار کنند و گروه سوم ممکن است گزارش های خود را در مورد ریاضیدانان نامی کامل نمایند. یا در درس علوم اجتماعی یک گروه ممکن است روی وضعیت آب و هوایی، گروه دیگر روی وضعیت فرهنگی و گروه سوم روی محصولات مناطق مختلف یک کشور کار کنند.

تدریس ایستگاهی برای تمام پایه ها موثر است. در دبستان، ممکن است گروهی از دانش آموزان با آسیب شناس گفتار و زبان روی جملات و گنجینه ی واژگان کار کنند، گروه دوم ممکن است داستان جاری را با آموزگار آموزش همگانی به بحث بگذارند و گروه سوم ممکن است به طور مستقل روی جمله نویسی کار کنند. برای دانش آموزان کوچکتر ممکن است تنها دو ایستگاه (هر کدام با یک آموزگار) در نظر گرفت. در راهنمایی و دبیرستان به ویژه اگر زنگ های کلاسی به نسبت کوتاه باشند (برای نمونه، ۴۵ تا ۵۰ دقیقه) هر ایستگاه ممکن است تمام زنگ کلاسی طول بکشد. در چنین مواردی برای این که تمام دانش آموزان به تمام سه ایستگاه دسترسی داشته باشند درس باید سه روز ادامه داشته باشد (۴).

تدریس جایگزین

در برخی موقعیت ها کشیدن گروه کوچکی از دانش -

گونه، تمام دانش آموزان فرصت های بیشتری برای مشارکت خواهند داشت. این الگو زمانی مناسب است که هر دو آموزگار به مقدار زیادی در حیطه ی موضوعی خاصی آموزش دیده باشند و به درد فعالیت های مشق و تمرین یا پروژه های که نیازمند نظارت نزدیک آموزگار است می خورد. برخی کودکان نیز ممکن است شیوه ی آموزشی آموزگار خاصی را ترجیح دهند، چون هر آموزگار ممکن است به روش خاصی آموزش دهد (مثلاً، دیداری تر، شنیداری تر یا بیشتر بر پایه ی متن) که برای گروه خاصی از کودکان مناسب تر است. برای نمونه، در کلاس درس ریاضی دبستان وقتی برخی دانش آموزان برای شمارش به دست افزار^۱ نیاز دارند در حالی که برخی دیگر نیازی به آنها ندارند ممکن است از این رویکرد استفاده شود. برای دانش آموزان بزرگتر این رویکرد برای جلسات مرور سودمند است. با مرور با دو آموزگار، آنها راحت تر به پرسش های دانش آموزان توجه کرده و مهارت اطلاعاتی آنها را پایش می کنند و هر دانش آموز نیز برای شرکت در بحث یا پاسخ به پرسش های آموزگار فرصت دو برابر دارد. یکی از ملاحظات در استفاده از این روش نوفه است. اگر دو آموزگار همزمان درسی را در کلاس کوچکی بدهند تراز نوفه ممکن است بیش از اندازه بالا باشد. در چنین موردی، آموزگاران ممکن است دانش آموزان را در کلاس درس روی زمین در جهات مخالف بنشانند (۴).

تدریس ایستگاهی

در تدریس ایستگاهی، آموزگاران آموزش را به دو، سه یا حتی بخش های غیرزنجیره ای تقسیم می کنند و هر کدام در مکان جداگانه ای از اتاق به دانش آموزان درس می دهند. در این الگو محتوا و دانش آموزان تقسیم شده و گروه ها در نیمه ی راه آموزش به سادگی عوض می شوند.

✓ یک آموزگار با توضیح مفهوم بخش پذیری آغاز می‌کند، سپس آموزگار دیگر مثالی می‌زند.

✓ یک آموزگار درسی را با ارائه‌ی گنجینه‌ی واژگان آغاز می‌کند در حالی که آموزگار دیگر با قرار دادن آن واژه در بافت مثال‌هایی می‌زند.

✓ یک آموزگار مسئله‌ی ریاضی را توضیح می‌دهد و آموزگار دیگر برای اطمینان از اینکه تمام دانش‌آموزان آن را فهمیده‌اند، پرسش‌هایی می‌پرسد.

✓ در درس علوم یک آموزگار آزمایش را توضیح می‌دهد، در حالی که آموزگار دیگر چگونگی استفاده از مواد لازم را نشان می‌دهد.

✓ دو آموزگار طول و عرض جغرافیایی را با پوشیدن لباس به دانش‌آموزان نشان می‌دهند. یکی لباسی با نوارهای عمودی و دیگری بانوارهای افقی می‌پوشد (۵).

در این رویکرد هر دو آموزگار به طور برابری در فعالیت‌های آموزشی شرکت کرده و مسئولیت‌های آموزشی کل گروه دانش‌آموزان را به طور تغییرپذیری قسمت و در دو نقش اساسی عمل می‌کنند: ارائه‌گر^۳ و تقویت‌گر^۴. در خلال آموزش به کل دانش‌آموزان، ارائه‌کننده، محتوای اطلاعات را همچون قوانین، حقایق، مفاهیم و زمینه‌ها در حیطه‌ی موضوعی همچون مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم یا انگلیسی ارائه می‌کند. در این حالت تقویت‌گر، نقش میانجی بین دانش‌آموزان و محتوای مواد ارائه شده در کلاس را برعهده دارد. مثلاً، در یک توالی آموزشی، آموزگار علوم ممکن است درباره‌ی مفهومی خاص صحبت کند درحالی که هم‌زمان آموزگار آموزش ویژه مهم‌ترین نکات را با نوشتن جملاتی تیتروار روی تخته خلاصه می‌کند. پس از آن آموزگار آموزش ویژه ممکن است درباره‌ی بخش دیگری از آن مفهوم صحبت کند، درحالی که آموزگار

آموزان به کنار کلاس برای آموزش، راهبرد مناسبی است. در این حالت، یک آموزگار به گروه بزرگتر بر اساس طرح درس، درس می‌دهد و آموزگار دیگر به گروه کوچکتر درس جایگزین یا همان درس در سطحی متفاوت یا با هدفی متفاوت تدریس می‌کند. بسیاری از آموزگاران بر این باورند این رویکرد، برای دانش‌آموزانی که درس قبلی را نفهمیده‌اند آموزش جبرانی فراهم می‌کند. اما این رویکرد می‌تواند استفاده‌های دیگری نیز داشته باشد. همچون: پیش‌تدریس^۱ گنجینه‌ی واژگان به برخی از دانش‌آموزان (پیش از ارائه‌ی آموزش به کل کلاس)، تدریس مفاهیم کلیدی به دانش‌آموزان غائب، مطالعه‌ی عمقی و غنی‌سازی مفاهیم.

نگرانی بسیاری از متخصصان به‌جا است که زیاد بودن تدریس جایگزین (به ویژه برای اهداف جبرانی) می‌تواند چنین به نظر برسد کلاس آموزش ویژه‌ی جداگانه‌ای درون دیوارهای کلاس درس آموزش عادی راه‌اندازی شده است. آموزگاران باید محتاط باشند کودکان توانخواه منحصراً و به طور معمول در گروه کوچک قرار داده نشوند چون این کار می‌تواند موجب انگشت‌نما شدن آنها شود. از این رو، لازم است تمام دانش‌آموزان به طور دوره‌ای در گروه کوچک حضور یابند. با وجود این، اگر هدف گروه متفاوت باشد، این کار موجب استفاده‌ی قدرتمند از دو متخصص در کلاس درس می‌شود (۴).

تدریس تیمی

تدریس تیمی که گاه تدریس تعاملی^۲ نامیده می‌شود (۱) رویکرد پویاتری است (۶) و هنگامی که ارتباط مشارکتی قوی بین آموزگاران ایجاد و سبک آموزش آنها مکمل یکدیگر شد آنها ممکن است تصمیم بگیرند برای هم‌تدریسی از رویکرد تیمی استفاده کنند. به عنوان نمونه:

3. Presenter
4. Enhancer

1. Pre-teaching
2. Interactive Teaching

ترین رویکرد هم‌تدریسی است با سبک آموزش هر آموزگار تحت تأثیر قرار می‌گیرد و با سبک آنها جور در نمی‌آید. این رویکرد نیازمند سطح بالایی از اعتماد حرفه‌ای و واگذاری است. تمام هم‌مدرسان^۱ باید دست کم آگاه باشند این رویکرد قابلیت جلب توجه دانش‌آموزان را دارد اما فرصت تقسیم دانش آموزان به گروه‌های گوناگون خیلی نیرومند است و نباید کمتر از اندازه برآورد شود (۶).

در جدول ۱ مزایا و معایب الگوهای هم‌تدریسی آورده شده است. الگوهای انتخاب شده اغلب به نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان، تقاضاهای برنامه‌ی درسی، مقدار تجربه‌ی متخصصان، ترجیح آموزگاران و موضوعات عملی همچون مقدار فضای در دسترس وابسته هستند. بسیاری از آموزگاران با تجربه بر حسب شرایط خاص شان از انواعی از آرایش‌ها استفاده می‌کنند. هدف از تدریس همیارانه ایجاد گزینه‌هایی برای یادگیری و فراهم کردن حمایت برای تمام دانش‌آموزان در کلاس درس آموزش همگانی است با ترکیب مهارت آموزگار همگانی با مهارت‌های آموزشی آموزگار ویژه (۱).

برای آن که هم‌تدریسی کارآمد باشد دو متخصص با تخصص‌های مختلف باید سودمندی کار خود را به حداکثر برسانند. آنها این کار را نخست با ارتباط آشکار در مورد فلسفه‌های آموزشی شان، قدرت و ضعف شان به عنوان مربی، انتظاراتشان از خود و دیگری و آماده شدن برای پذیرفتن نقش‌های هم‌تدریسی به انجام می‌رسانند. آنها سپس تصمیم می‌گیرند چگونه از استعداد خود در کلاس درس بهترین استفاده را ببرند. در چنین کلاسی تمام دانش‌آموزان (شامل دانش‌آموزانی که به لحاظ تحصیلی تیزهوش یا سرآمد هستند، دانش‌آموزانی که توانایی متوسط دارند، دانش‌آموزان در خطر مردود شدن و دانش‌آموزان نیاز ویژه) بهتر آموزش می‌بینند (۴).

علوم همان مفهوم را با برخی مثال‌های خاص یا مقایسه شرح می‌دهد. این ترتیب و توالی ممکن است با عملکرد هر دو آموزگار به عنوان تقویت‌گر پایان یابد. یکی، دانش‌آموزان را به خلاصه کردن ترتیب زمانی رویدادها تشویق می‌کند، درحالی که آموزگار دیگر دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند پیشگویی کنند که با تغییر ترتیب رویدادها چه اتفاقی رخ خواهد داد. بنابراین، اگرچه ارائه‌گر آنچه باید فراگرفته شود را آموزش می‌دهد تقویت‌گر در اصل چگونگی فراگیری محتوای درس را آموزش می‌دهد.

تدریس تیمی که گاه تدریس تعاملی نامیده می‌شود رویکرد پویانتری است و هنگامی که ارتباط مشارکتی قوی بین آموزگاران ایجاد و سبک آموزش آنها مکمل یکدیگر شد آنها ممکن است تصمیم بگیرند برای هم‌تدریسی از رویکرد تیمی استفاده کنند

دست‌کم در آغاز ممکن است آموزگار آموزش همگانی بیشتر در نقش ارائه‌گر و آموزگار آموزش ویژه معمولاً نقش تقویت‌گر را بر عهده بگیرند. دلایل این کار آشکار است: آموزگار آموزش همگانی، احتمالاً آگاهی بیشتری درباره‌ی محتوای مطالب ارائه شده دارد و توان آموزگار آموزش ویژه معمولاً با مهارت و راهبردهای آموزش برای یادگیری مرتبط است.

سرانجام آن که، آموزگار آموزش همگانی و آموزش ویژه ممکن است به عنوان ارائه‌گر و تقویت‌گر عملکرد یکسانی داشته باشند و هر دو ممکن است در هر زمانی در خلال درس هم به عنوان ارائه‌گر و هم تقویت‌گر عمل کنند. این گونه، از راه این نوع روند آموزشی، آموزگار آموزش ویژه و آموزش همگانی می‌توانند یکدیگر را کامل و از یکدیگر پشتیبانی کنند. برخی آموزگاران منحصراً از این رویکرد استفاده می‌کنند و آن را انرژی‌زا می‌یابند. با وجود این، برای برخی آموزگاران خودانگیختگی و راحت بودن این رویکرد که پیچیده-

1. Co-teacher

جدول ۱: مزایا و معایب الگوهای هم‌تدریسی

معایب	مزیت‌ها	الگوی آموزشی
<p>رسیدن به عمق یکسانی از محتوا دشوار است. ممکن است هماهنگی آن مشکل باشد. موجب افزایش تراز نوفه می‌شود. موجب قدری رقابت آموزگار- دانش‌آموز می‌شود.</p>	<p>پاسخ‌های دانش‌آموز را تشویق می‌کند. چهارچوب بازنگری موثری فراهم می‌کند. نسبت آموزگار دانش‌آموز را برای آموزش یا بازنگری گروهی کاهش می‌دهد. غنی‌سازی فرصت‌ها را تسهیل می‌کند.</p>	تدریس موازی
<p>موجب افزایش تراز نوفه می‌شود. پایش آن دشوار است. نیازمند کار گروهی و مهارت کار مستقل است.</p>	<p>چهارچوب یادگیری فعالی فراهم می‌کند سرعت پاسخ‌دهی را افزایش می‌دهد. استقلال و همکاری را تشویق می‌کند.</p>	تدریس ایستگاهی
<p>هماهنگی آن دشوار است. محیط‌های یادگیری جداسازی شده ایجاد می‌کند. ممکن است موجب دانش‌آموزان را جدا کند. ممکن است همان دانش‌آموزان کم‌توفیق قبلی را برای کمک برگزیند.</p>	<p>زمانی برای جبران عقب افتادگی دانش‌آموزان غائب فراهم می‌کند. موجب می‌شود دانش‌آموزان همگام پیش بروند. زمانی را برای رشد مهارت‌های فراگرفته نشده فراهم می‌کند.</p>	تدریس جایگزین
<p>نیاز به طراحی چشمگیری دارد. نیازمند مهارت‌های ایفای نقش و الگوسازی است. ممکن است شراکت شغلی باشد نه یادگیری غنی‌سازی.</p>	<p>رفتارهای مناسب تحصیلی، اجتماعی، کمک‌گیری را الگو سازی می‌کند. پرسش‌گری را آموزش می‌دهد. موجب مشاهده/جمع‌آوری قاعده‌مند داده‌ها می‌شود. همکاری را تسهیل می‌کند. مشارکت نقش / محتوا را بالا می‌برد. موجب وضوح مفاهیم، قواعد، گنجینه‌ی واژگان و ... می‌شود.</p>	تدریس تیمی

که آموزگاران آشکارا به موانع بالقوه‌ی پیش رو همچون حجم کار و مدیریت زمان توجه کنند. برای اطمینان از این که هم‌تدریسی کارآمد و موثر است توصیه شده آموزگاران به این پرسش‌ها توجه کنند:

- ✓ چرا هم‌تدریسی می‌کنیم؟
- ✓ چگونه بفهمیم به اهداف مان رسیده‌ایم؟
- ✓ چگونه ارتباط برقرار کرده و مشارکت را مستند کنیم؟
- ✓ چگونه در مسئولیت آموزش تمام دانش‌آموزان سهیم شویم؟
- ✓ چگونه حمایت دیگران را به دست آوریم؟
- راهنمای زیر برای ایجاد و حفظ تجربه‌ی هم‌تدریسی موفق پیشنهاد شده است؟
- ✓ خودتان را بشناسید: نقاط قوت و ضعف خود را بازشناسی کنید.

تدریس همیارانه را نباید نوشدارویی دانست برای روبرو شدن با چالش‌های گوناگونی که عموماً هنگام کار با دانش‌آموزان توانخواه در کلاس درس آموزش همگانی رخ می‌دهند. بلکه ساز و کاری است برای تسهیل فراگیرسازی موفق آموزش و پرورش. برخی اجزای کلیدی لازم برای تدریس همیارانه‌ی موفق عبارتند از:

- ✓ مشارکت داوطلبانه
 - ✓ زمان طراحی کافی
 - ✓ احترام متقابل
 - ✓ حمایت اداری
 - ✓ خلاقیت و انعطاف‌پذیری
 - ✓ سازگاری حرفه‌ای و شخصی
 - ✓ تسهیم فلسفه‌ی آموزشی
- همچنین در صورتی هم‌تدریسی موفقیت‌آمیز است

- ✓ شریک خود را بشناسید: به دوستی تان پر و بال دهید. ✓ در تجزیه و تحلیل پایانی پرسش کلیدی که باید پاسخ ویژه‌ی شخصی یکدیگر را بپذیرید. به تفاوت‌های تان در سبک تدریس ارج نهید.
- ✓ کارتان را بلد باشید: در اطلاعات و مسئولیت‌ها سهیم شوید. از کارهای روزمره‌ی کلاس درس آگاه باشید. ✓ در جدول ۲ توصیه‌ها برای هم‌تدریسی موفق آمده است (۱).

جدول ۲: توصیه‌هایی برای هم‌تدریسی موفق

✓ انتظارات خود را از تمام کودکان بالا ببرید.
✓ کار با یک همسال/ دوست اغلب راهبرد سودمندی است.
✓ دادن تنها یک دستور در هر زمان سودمند است. این کار به این معنا نیست که سرعت کار باید آهسته باشد. در حقیقت، آهنگ سریع اغلب کاملاً کارآمد است. استفاده از نشانک‌ها ^۱ (مثلاً، برای جلب توجه) می‌تواند بسیار سودمند نیز باشد.
✓ درباره‌ی مهمترین چیزی که تمام دانش‌آموزان لازم است یاد بگیرند فکر کنید. سپس ببینید چگونه می‌توانید تکلیف را برای برخی دانش‌آموزان به بخش‌های کوچکتر بشکنید و آن را برای دانش‌آموزانی که آماده‌ی حرکت به جلو هستند چالش‌آورتر کنید.
✓ ثابت‌قدم باشید.
✓ هر از چند گاهی گروه‌ها را در هم آمیزید. ممکن است دانش‌آموزی در مقایسه با ریاضی برای خواندن به گروه متفاوتی نیاز داشته باشد.
✓ به هیچ دانش‌آموزی برچسب نزنید.
✓ کودکان توانخواه (در واقع بسیاری از کودکان) نیازمند دستورات خیلی دقیق و روشن هستند. در صورتی که امکان‌پذیر است دستورات شنیداری را با دیداری همراه کنید. دانش‌آموزان دارای آسیب شدیدتر ممکن است نیازمند دستورات دیداری‌تر باشند.
✓ مشتاقانه توانایی‌های دانش‌آموزان را بشناسید و برای این که راهی بیابید هر دانش‌آموز به لحاظ تحصیلی هر روز موفق شود طراحی کنید.
✓ هنگام طراحی برنامه‌تان ببینید چگونه می‌توانید آن را دیداری، شنیداری، لمسی و جنبشی ^۲ کنید. شما فرصت بهتری خواهید داشت تا با سبک‌های یادگیری متفاوت روبرو شوید.
✓ به «خوب» شدن دانش‌آموزان دقت کنید. تشویق کلامی یا شاید توجه مثبت کوچکی کنید.
✓ کاری که با دانش‌آموز انجام می‌دهید را مستند کنید. تا حد امکان آن را ارزیابی کنید.
✓ اگر پاسخ چیزی را نمی‌دانید پرسید. اگر برخی محتواها را خیلی خوب نمی‌دانید مطالعه کنید. بفهمید چه کسی، کاری را خوب‌تر انجام می‌دهد و اگر مهارتی است که لازم است روی آن کار کنید به او نگاه کنید.
✓ ارتباط را باز و مکرر بگذارید. تا حد امکان از زبان مثبت استفاده کنید. از راه حل بارش مغزی برای به چالش کشیدن یکدیگر استفاده کنید و راه حل‌های متفاوتی به کار بگیرید.

منابع:

1. Garguilo R.(2012). *Special Education in Contemporary Society. An Introduction to exceptionality*. Saga Publication Inc. 25-29.
2. Cook L., Meduffie- Landrum K., Oshita L., Cothren Cook S.(2011). Co-Teaching for Students with Disabilities: A Critical Analysis of the Empirical Literature. In J. Kauffman, D. Hallahan (Eds). *Handbook of Special Education*. Routledge.
3. Friend M., Bursuck W. (2012). *Including Students with Special Needs: A Practical Guide for Classroom Teacher*. Sixth Edition. Pearson Education, Inc. 76-78.
4. Friend M. (2008). *Special Education: Contemporary perspectives for school professionals*. 115-19.
5. Cook L., Friend M. (2004). *Co-teaching: Principle, Practice, & Pragmatics*.
6. Reynolds C., Fletcher- Janzen E. (Eds). (2007). *Encyclopedia of Special Education: A Reference for the Education of the Handicapped*
7. *Other Exceptional Children & Adults*. (2nd ed). Vol. II. John Wiley & Sons.

1. Signals
2. Kinesthetic